

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: کُنراد شوهر  
برگردان از: حمید بهشتی  
۰۵ جنوری ۲۰۱۵

## من چارلی نیستم یا ۷ جنوری نشر تازه ای از ۱۱ سپتمبر

باز هم تزویر و خود بزرگ بینی در رسانه های المان



نویسنده: کُنراد شوهر

هنوز کشته شدگان پاریس به خاک سپرده نشده بودند که نویسندگان و روزنامه نگاران گوناگون به صحنه آمدند. ما همه چارلی هستیم، ما روزنامه نگاران نیز همچنان با فداکاری برای آزادی بیان و حقیقت و دفاع از ارزش های دموکراتیک در اروپا مبارزه خواهیم کرد. از جمله ناشر روزنامه هاندلزبلات، رئیس کلان شرکت رسانه ئی اشپیرینگر به نام دورفلر که روز ۷ جنوری، روز سوء قصد پاریس را نهم سپتمبر جدید نامید که آغاز مبارزه با تروریسم پس از ضربات نابود کننده برج های دوقلوی نیویورک بود و هیأت تحریر اشپیگل که جملگی با هم در مقابل دوربین ایستاده و پلاکاردهائی را در دستان خویش داشتند: من چارلی هستم



(تصویر) هیأت تحریریه روزنامه بیلد (متعلق به کلان شرکت رسانه ئی اشپرینگر)



(تصویر) هیأت تحریریه اشپیکل

به نوشته روزنامه زوددوپیچه «ما چارلی هستیم» نمادی شد برای تهدید مجموعه افکار عمومی و نظم قانونمدار دموکراتیک. بسیاری شعار مزبور را به خاطر مقبول بودن بر دستان خویش بلند کردند. بسیاری از افرادی که اینکار را کردند، خودشان در حال محدود نمودن آزادی بیان و حذف آغیار از حفاظ قانونی و همبستگی اجتماعی می باشند. خیلی ها واقعه مزبور را حمله به جمهوریت و ارزش های روشنگری و انقلاب فرانسه تعبیر کرده اند (از جمله اشپیکل) و با مطرح نمودن ۱۱ سپتمبر فرانسه مبارزه با تروریسم را از نو به راه می اندازند که به نقض همان ارزش ها منجر خواهد گشت.

سه پرسش را باید مطرح ساخت:

- ۱ – آیا چارلی ابدو نماد آزادی بیان است که ما ارزشهای روشنگری را مدیون آن باشیم؟
- ۲ – تبلیغ کنندگان چارلی ابدو در رسانه های بزرگ المان را چگونه باید ارزیابی نمود؟ آیا نقش آنها روشنگری است یا خلاف آن؟
- ۳ – از هجوم تازه ای که برای مبارزه با تروریسم اعلام شده است چه انتظاری می توان داشت؟

### چارلی ابدو – کاریکاتورهای چپ نما به سود بیگانه ستیزی دست راستی

قتل ۱۲ دبیر، طراح و پرسنل نذافتکار و امنیتی چارلی ابدو خوفناک است. اینکار را به هیچ وجه نمی توان توجیه نمود یا بی اهمیت جلوه گر ساخت. برای جلوگیری از تکرار این عمل وحشتناک باید از تمامی امکانات بهره جست. اما این به معنای دارا بودن ارزش انسانی طرح های چارلی ابدو نیست. زیرا آنها دستکم دو پهلو می باشند (مقایسه کنید با مقاله هارالد نویبر: هر چه باشد باید کشیدن این طرح ها ممکن باشد). کاریکاتورهایی که در آنجا مربوط به مسلمانان بود، زنده هستند. تصویر محمد با بینی برآمده و چشمان دریده و سخنان هزل و کنایه آمیزی که در دهانش گذاشته بودند به تمسخر کشیدن اوست. استدلال مدافعان این رفتار توهین آمیز بدین گونه است که چارلی ابدو این کار را در مورد همه ادیان انجام داده است.

اما تفاوت فاحشی هست میان این که در مجله ای به دینی حمله شده و آن را تحقیر کنند که در کشور دارای نفوذ سیاسی قوی باشد با این که این کار در مورد اقلیتی صورت گیرد که مخالفان بیگانه ستیز آن منتظر فرصت نشسته باشند. بی جهت نیست که متعاقب واقعه مزبور گروه پگیدا (که مخالف گسترش اسلام است - مترجم) توانست دست به سازماندهی تظاهرات ۲۵ هزار نفره در شهر درسدن بزند. آنها برای قربانیان مزبور سوگواری نمودند در حالی که نسبت به مسلمانان مطرح شده در آن نقد طنز آمیز اظهار انزجار نمودند.

این همراهی میان طنز به قصد روشنگرایی با بدترین تبلیغ راستگرایانه طبیعتاً به عمد از جانب طنزننگاران مزبور صورت نگرفت، اما آنها روی آن حساب هم نکرده بودند. با اینحال این تأثیر دوجانبه واقعیت دارد. در زمینه طنز در باره اقلیت ها باید چنین تصویری را در نظر مجسم نمود: در نشریات المان یهودیان به صورت عناصری با بینی برآمده و موذی ترسیم شوند که دستی در کامپیوتر بانک داشته و در درست دیگر تلفونی گرفته و در جست و جوی اطفال بیگناه باشند. همه اینها (با تغییرات کمی) همان مدلی است که نازی ها به کار می بردند. در این صورت جامعه فرهنگی اسرائیلی علیه اینگونه «روشنگرایی» یکصدا به پا می خاست که البته حق هم می داشت و می بایست نیز همه دموکرات ها از آنها حمایت می کردند.

اما همین امر می بایست در باره اقلیت مسلمان نیز مصداق داشته باشد. نویسنده فرانسوی، میشل هولبه بک که در رُمان «تسلیم» خود که در بحبوحه هفتم جنوری اسلام را به کودن ترین دین در میان ادیان کودن که باید همگی آنها از میان برداشته شوند، معرفی نمود، اما گویا به خاطر دموکرات بودن هم که شده نباید از اصل برابری غافل شد. انگاه پیام مطبوعات المان چنین بود: ما همه چارلی هستیم. چه قدر مضحک!

قیافه ای که رسانه های المان در حمایت برادرانه و خواهرانه از چارلی گرفتند، در جمع دورویانه است. هرالد نویپر در همان مقاله ذکر شده بدین موارد اشاره می کند: شبکه تلویزیون WDR سوء قصد پاریس را به سوء قصد نسبت به آزادی تفسیر نمود. اما همین شبکه WDR ویدیوی کارولین کبکوس در یک برنامه انتقادی نسبت به کلیسا را تحت عنوان «خدا را بزَن» که در ۲۰۱۳ پخش شد به شدت سانسور کرد. روزنامه برلینر سایتونگ که خود را در صف همزمان چارلی ابدو معرفی کرده است، در همان زمان، سانسور بازیگران طنز (خدا را بزَن) را چنین تفسیر نمود: فضاحت در این نیست که شبکه WDR ویدیوی مزبور را صافکاری کرده است، بلکه رسوائی در این است که شبکه مزبور اصلاً کارولین کبکوس را در دایره همکاران خود پذیرفته است. نتیجه گیری نویپر بدین قرار است: «اکثریت روزنامه نگاران و سردبیرانی که امروزه پلاکاردی به دست گرفته اند که بر روی آن عبارت «من چارلی هستم» نوشته شده و آن را مقابل دوربین گرفته اند، تا دیروز انتشار کاریکاتورهای نشریه مزبور را رد می کردند». و این سخن را می توان بدان افزود: اگر این کاریکاتورها اشخاص و عقاید مسیحی را به تمسخر گرفته بودند چه می شد؟

رسانه های تعیین کننده ما به صاحبان نفوذ در امپراتوری «ارزشهای فرنگستان مسیحی» تمکین می کنند و رؤسای رسانه های مزبور بخشی از نخبگان این امپراتوری می باشند. بدین قرار است که رئیس بخش سیاست خارجی در روزنامه زوددویچه (کرنلیوس)، روزنامه FAZ (فرانکن برگر)، روزنامه ولت (اشتورمر) و روزنامه سایت (یوقه) تنگاتنگ جزو نخبگان آتلانتیک هستند و موضعگیری آنان نیز در باره جهان در همسازی با آن می باشد که همواره در معرض خطر بوده و دخالت بیشتر پیمان ناتو را ضروری می سازد. (مقایسه کنید با کتاب اووه کروگر تحت عنوان Meinungsmacht، منتشر شده در کلن ۲۰۱۳).

در همین راستا نیز توصیف اسلام است که گویا منبع مخاطره برای صلح جهانی است. سوء قصد پاریس برای این تبلیغات چی ها مهماتی است برای هر چه بیشتر جری شدن در سیاست داخلی و خارجی.

### هفتم جنوری، موج جدید در مبارزه علیه تروریسم

یکی از مشمئز کننده ترین تصاویر برداشته شده از پاریس، پایتخت دنیا، سان دادن رهبران کشورها را در «اولین تظاهرات بین المللی علیه تروریسم» نشان می دهد. در صف اول، با کمی فاصله از رئیس جمهور فرانسه، اولاند، نخست وزیر اسرائیل، نتانیا هو، در مارش مزبور حرکت می کند. یکی از مسلمانان فرانسه در این باره جمله مناسبی را گفته است: «شما یک روز چارلی هستید، اما ما همه روزها غزه هستیم» به نقل از زوددویچه. مهمترین مسؤول سیاسی ترور مدام صدها هزار فلسطینی اجازه یافته است در پاریس به عنوان قربانی ترور خود را جا بزند. و به عنوان انتقام گیر. زیرا طبیعتاً موضوع به اینجا مربوط می شود. از پاریس قرار است موج جدیدی در «مبارزه با تروریسم» آغاز شود، هفتم جنوری در مقام دومین ۱۱ سپتمبر.

### آن زمان، پس از ۲۰۰۱ چا اتفاقی افتاد؟

به عراق از جانب ایالات متحده آمریکا و متحدان تمکین گرش حمله شد. صدها هزار کشته شدند. به افغانستان حمله شد. صدها هزار کشته شدند. سوریه تکه تکه پاره شد. صدها هزار کشته شدند. NSA تمامی جهان را به زیر شبکه مراقبت خویش کشید. حریم خانه شخصی و همکاری جمعی سیاسی در زندگی ما در جهان حاضر به صورت مفاهیم مربوط به گذشته درآمدند. «برادر بزرگتر» تبدیل به واقعیت گشته است و نیز «اسلحه بزرگتر» - اختلافات با زور اسلحه حل می شوند. و حال باید دید پس از «۷ جنوری» چه خوابی برای ما دیده اند؟

روزنامه هاندلزبلات که ارگان مرکزی نخبگان اقتصادی المان است پس از هفتم جنوری یک بیانیه اصول آزادی را منتشر ساخت. در این بیانیه، ۱۱ اصلی که اکنون مطرح می باشند در صدر آن قرار گرفته اند. در آنجا چنین آمده است: «اروپا نباید فقط از ارز مشترک خود، بلکه از ارزشهای مشترک خویش دفاع نماید». و نتیجه گیری نهایی: «توفیق اقتصادی ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا اساساً به محافظت از حقوق مالکیت بستگی دارد». بدین قرار ما باید نسبت به مهاجران و مسلمانان و شاید هم به زودی نسبت به یونانی ها انتظار احساس تنفر را داشته باشیم و انتظار جنگ های تازه ای که ضروری باشند (افریقا!) و قربانیان بیشتری از فقراء و مستضعفان - آنچه محور اصلی باقی می ماند: «حفاظت قانونی از مالکیت» است. بدین تعبیر: من چارلی نیستم.

لینک به بنیاد پژوهش های اجتماعی- اکولوژی

<http://www.isw-muenchen.de/download/charlie-cs-20150114.pdf>

به قلم گنراد شوهرلر، رئیس بنیاد پژوهش های اجتماعی- اکولوژی در مونیخ

برگرفته از تلاکسکالا، ۱۴ جنوری ۲۰۱۵

<https://www.blogger.com/blogger.g?blogID=8628670579651273793#editor/target=post;postID=4883321634096892969;onPublishedMenu=posts;onClosedMenu=posts;postNum=40;src=pathname>